***بسم لله الرحمن الرحیم***

**نام پژوهشگر : علی**

**نام خانوادگی : باقری کاجی**

**استاد راهنما : هانی موسی نژاد**

**موضوع : پلورالیسم**

**عنوان : تحلیل و رد نظریه تکثر گرایی دینی از منظر اسلام**

**پایه : چهارم**

**کد طلبگی : 168389**

**مدرسه علمیه علوی قم**

**1399-1400**

**مقدمه**

دین همچون خورشید تابناک، فرصت بهره مندى از مواهب طبيعى الهی و انسانی را فراهم ساخته تا آدمي با هدايت آن انوارآسمانى وبهره گيرى از تمامي توانمندى هاى لازم به برترين جايگاه خود يعنى مقام خلافت الهى درزمين و عبوديت و عنديّت در سماء، نائل شود. اين برترين موهبت الهى، همواره مورد تهديدهاي جباران و نيز تحديدها وتحريف هاى اربابان قدرت مي باشد. اين پيكار مستمر و همه جانبه، گاهى در لباس جنگ نظامي رخ مي نمايد و زمانى در كسوت فرهنگي – علمي و حتى عقيدتى، خود را نشان مي دهد.

بشر متوهّم مي پندارد که مي تواند مستقلاً و تنها با تکيه بر عقل خود و با تكيه بر آراي عمومي و ايجاد افكار عمومي يا حاكميت اكثریت مانند بنيان كردن امور بر اساس حقیت همه ادیان به نام پلورالیسم، دغدغه هاى روزگارش را به سامان برساند؛ صاحبان این اندیشه علاوه بر استدلال هاي عقلی و تجربی، به آیات قرآن کریم نیز متوسل شده و از آیات متشابه، به نفع خود استفاده کرده اند وسبب انحراف خیل عظیمی ازجویندگان حق شده اند.یکی از ویژگی های مهمی که این تحقیق را از دیگر هم نوعان خود متمایز میکند این است که علاوه برسادگی و فهم آسان به برسی علل و پیشینه های این نظریه پرداخت شده همچنین با تکیه بر مبانی اسلامی توانستیم بطلان این نظریه را اثبات کنیم. از عوامل موفقیت آمیز در گرد آوری پژوهش میتوان به وجود منابع دسته اول و معتبر اشاره کرد کما اینکه یکی از موانع ما در گرد آوری این مطالب کم بود همین منابع دسته اول و معتبر بود

**چکیده**

این مقاله برآن است تا رابطه تکثر گرایی با آموزه های ادیان مختلف و حقانیت آنها را مورد برسی قرار دهد. در ابتدا سعی شده است تا تعریف روشنی پیرامون تجربه دینی و تکثر گرایی ارائه شود وبیان شده که پلورالیسم دینی سعی بر تکثر ادیان الهی وغیر الهی دارد و برآن است تا ثابت که ادعای همه ادیان به نحوی صحیح است همچنین نگاهی کوتاه به ریشه‏هاى پیدایش نظریه تکثر گرایی دینى شده و به پاره‏اى علل پیدایش این اندیشه اشاره کردیم در نهایت با برسی ادله عقلی و نقلی چنان تیجه گرفته شد که که این امر با اصیل ترین اهداف انبیا، یعنی هدایت الهی، منافات دارد و به ضلالت بندگان منجر می گردد چراکه براساس رویکرد درون دینی هیچ یک از آموزه های دینی را براساس نظریه مذکور نمی توان عرضی خواند. همچنین در حوزه «دین داری» علی رغم تأکید دین بر توجه به باطن دین، رسیدن به هدف نهایی خلقت ملازم با پایبندی کامل به ایمان و عمل صالح، به صورت توأمان شمرده شده است و از همین رو تجزی در دین راه ندارد.

**کلید واژها**

قرآن\_ پلورالیسم \_ تجربه دینی \_ تکثر گرایی \_ جان هاروود هیک \_ پلورالیسم دینی

**فصل اول (1)**

**1-1پلورالیسم در لغت**

PLURAL به عنوان اسم، و يا صفت به كار مى رود. و به معناى جمع وكثرتاست در حقیقت واژه یاد شده حاکی از كثرتو تعدداست و پسوند آن ISM، از گرايش حكايت مى كند و به همين جهت در عرصه هاى گوناگونى اعم از دينو فلسفهو اخلاقو حقوق و سياست به كار مى رود**(ر.ک : سبحانی، جعفر، پلورالیسم دینی، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ اول، قم، 1381)**

**1-2پلورالیسم در اصطلاح**

به معنای حقانیت ادیان متکثر و متعدد است به این صورت که در هر زمانی بشریت دین ها و صراط های حق و مستقیمی دارد که با تمسک به هرکدام از آن ها به رستگاری میرسد مثلا آیین هندوئیسم، یهودیت و مسیحت در عرض هم آیین های حق الهی بشمار میایند مایه نجات و رستگاري انسان میباشند بر این اساس نزاع حق و باطل از میان ادیان رخت بربسته، خصومت ها و نزاع ها و مجادلات دینی نیز جاي خود را به همدلی و همسویی میدهند.

**1-3خاستگاه تکثر گرایی دینی**

**1-3-1تعصبات مسیحیان**

در بیان خاستگاه تکثرگرایی دینی می توان گفت مسیحیت بستر رشد و تدوین این اندیشه را در قرون وسطی با رفتار های خشن و ظالمانه ای که با غیر مسیحیت به دلیل تعصبات بی جا داشته اند فراهم کرد لذا متفکران غربی در عصر روشنگری یکی از علت های اصلی زاییده شدن این تفکر را تنفر همین برخورد های تعصب آمیز مسیحیان با مخالفان خود دانسته اند.

**1-3-2لیبرالیسم**

یکی دیگر از سرچشمه های این تفکر را میتوان اندیشه لیرالیسم اعم از لیبرال سیاسی و دینی یافت. در لیبرالیسم سیاسی به تسامح ، آزادی عقیده و حقوق خصوصی افراد تاکید میشود .آنها با تقسیم بندی دقیق قلمرو خصوصی و عمومی افراد حق آزادی نظر و عقیده ، به ویژه عقیده دینی را داخل در قلمرو خصوص افراد تعریف میکنند.ارتباط بین پلورالیسم دینی و لیبرالیسم را میتوان اینگونه نشان داد که هر نهاد دینی که ادعای معرفت انحصاری را داشته باشد حق حجیت را برای خود قائل است و میتوان مردم را به اطاعت از خود وادار کند لیبرال های برای اینکه مشکل تعارض بین ادعای نهاد دینی را حل کنند تفاوت های دینی را مجاز شمردند و حجیت را از نهادهای دینی گرفتن. با مشاهد دقیق در مبانی پلورالیسم شاهد سیر تکاملی پروتسانتیسم لیبرال به سوی پلورالیسم دینی هستیم که خود نشانه ای از تاثیر گزاری لیبرالیسم بر پلورالیسم است اما کثرت گرایی دینی پا را فراتر از لیبرال ها که تنها روشی برای حل تعارض داده بودند گذاشت ومنکر معرفت انحصاری ادیان شد.

**1-3-3 تاریخ گرایی**

تاریخ گرایی یکی از علل مهم در گسترش و نسج این اندیشه بود. (ویلهملم دیلتای) و (ارنست ترلچ) معتقد بودند که همه ادیان حاصله تاریخ بشر هستند و آگاهی تاریخی جدید، مبین نسبی بودن هر گونه ادعای دینی و متافیزیکی است. تاثیر این آگاهی تاریخی جدید را در ارزشیابی دینی میتوان دراثار مورخ بزرگ (آرنودتوین بی) یافت به نظر آرنلود و این دسته از متفکران تاریخ گرا دین و جلوه های فرهنگ ثمره طبیعی جریان تاریخی هستند.

**1-3-4رمانتیسیسم**

یک نهضت هنری – ادبی در نمیه اول قرن نوزدهم است این نهضت در جهت گیری پروتستانتیسم لیبرال به سمت پلورالیسم دینی تاثیرفراوان داشت تا حدی که (گوتهلدافرایم لسینگ ) از بزرگان نهضت روشنگری المان مدعی میشد که گوهر دین در اعمال بافضیلت نهفته است و هیچ دینی حقیقت مطلق نیست پروتستانتیسم لیبرال شلایر ماخر، عکس العملی بر رمانتیسیسم رایج بود و این عکس العمل سبب جهت گیری پروتستانتیسم لیبرال به سمت پلورالیسم دینی شد آن چیزی که تا الان بیان شد قسمتی از علل شکل گیری این نظریه بود اما اولین کسی که این نظریه را بصورت آکادمیک مطرح کردی جان هاروود هیک بود که در ادامه به آن میپردازیم.

**1-4جان هاروود هیک احیای کننده پلورالیسم**

این روییکرد برای نخستین بار توسّط جان‌هاروود هیک (۱۹۲۲م) مطرح گردید، هیک پس از اخذ درجه دکترای فلسفه از دانشگاه آکسفورد به سلک روحانیّت درآمد و سه سال به عنوان کشیش (فرقه پرسپتیوری) خدمت کرد. وی در طول زندگی با غیر مسیحیان (مسلمانان، یهودیان و هندوها) معاشرت بسیار داشت. همین امر باعث شد تا در برخی عقاید جزمی خود در باب انحصار راه نجات و حقیقت در مسیح و مسیحیّت شک کند. البتّه پیش از این احوال، تحوّلاتی در تعالیم کلیسا رخ داده بود؛ مثل این که کلیسای کاتولیکِ صرف آب ریختن روی سر را برای غسل تعمید کافی دانست؛ بلکه در پی آن اعلام کرد که غیر مسیحیانی که در زندگی، پاکی و خوبی را پیشه خود کرده‌اند بواقع مسیحی‌اند. هیک امّا، به این مقدار اکتفا نکرد. به عقیده وی در چنین تفکّری، باز این مسیحیّت است که به عنوانِ محور مطرح شده است؛ در حالی که همه ادیان حقّند و پیروان آن سعادتمند هستند، به شرطی که براستی و صداقت در مقابل آن چه از حقیقت نصیبشان شده، پایبند باشند. نظریه هیک اگر چه به خودی خود چندان پشتوانه کلامی و عقلی نداشت امّا می‌توان گفت این نظریّه به دلیل واقع شدن در زمینه‌های خاصّی از اقبال برخوردار شد. این زمینه‌ها عبارتند: از اقبال به خداشناسیِ طبیعی (natural theology) به جای خداشناسی وحیانی؛ طرح هرمونتیک مدرن توسّط شلایر ماخر؛ شکاف معرفتی میان بود و نمود (نومن و فنومن)؛ پذیرش پلورالیته و کثرتِ نافروکاستنی در حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد و سیاست**.(ر.ک: سایت ویکی فقه https://www.wikifeqh.ir/)**

**1-5اقسام پلورالیسم**

**1-5-1پلورالیزم سیاسی**

پلورالیسم سیاسی به معنای پذیرش کثرت و تنوع در حوزه نهادهای مدنی، احزاب، جمعیت ها و عقاید ناظر به مصالح اجتماعی است. **(ر.ک: سایت ویکی فقه https://www.wikifeqh.ir)**

**1-5-2پلورالیزم اجتماعی**

پلورالیسم در این عرصه عبارت است از تنوع پذیری در حوزه نهادهای اجتماعی، مدنی، جمعیت های مختلف، تشکل ها، احزاب و هر آنچه که به نحوی رنگ اجتماعی دارد و نیز عقاید ناظر به مصالح اجتماعی که قابلیت کثرت پذیری دارند. پلورالیسم اجتماعی در حقیقت نمود عینی تحقق پلورالیسم در عرصه های دیگر هم چون معرفت، فرهنگ، اخلاق و دین می­باشد **(ر.ک:سایت ویکی فقه https://www.wikifeqh.ir/)**

در علل پیدایش پلورالیزم اجتماعی میتوان به عوامل زیر اشاره کرد

* 1. وحدت رایی بیش از اندازه که به تمرکز قدرت در دست یک شخص یا گروه خاص انجامیده است، استبداد دینی یا دولتی که نمونه بارز آن در قرون و سطی توسط کلیسا به نمایش گذاشته شد و اتفاقا مهمترین عامل پیدایش گرایش های پلورالیستی در غرب شد **(ر.ک: پلورالیزم دینی یا پلورالیزم در دین، سید حسن حسینی، (تهران، سروش، 1382، ص23ـ24)**
  2. وقوع جنگ های طولانی بر سر اثبات عقاید مذهبی و تحمیل آن بعنوان تنها عقید درست
  3. رشد ابزارهای ارتباطی و آسان شدن مناسبات انسانی به نحوی که تنوع فرهنگی و اعتقادی موجود در جهان در معرض دید همگان قرار گرفته است**.(ر.ک: فرهنگ و اژه ها، عبدالرسول عبودیت و دیگران، (قم: موسسه اندیشه و فرهنگ دینی، 1381، ص143)**

**1-5-3پلورالیزم اخلاقی**

پلورالیسم اخلاقی به نظریه ای اطلاق می شود که معتقد است مفاهیم، ارزش ها، الزام ها و حتی اصول بنیادین اخلاق ذاتاً مختلف بوده، از این رو ارائه یک نظام اخلاقی هماهنگ و فراگیر امکان ندارد.البته پلورالیسم اخلاقی، منطقاً مساوی با نسبیت گرایی اخلاقی نیست؛ زیرا این نظریه ارزش های اخلاقی را سابژیکتیو و یا محصول سلیقه یا فرهنگ خاص نمی داند و در اینکه می توان دربارة ارزش ها، احکام معتبر عینی صادر کرد، با رئالیسم اخلاقی هم عقیده است. و اساساً اخلاقی بودن یک حکم را محصول یک سری قیود عقلی می داند؛ اما معتقد است که احکام اخلاقی تماماً با یکدیگر سازگار نیستند. **(ر.ک پایگاه اطلاع رسانی حوزه علمیه موضوع پلورالیسم دینی)**

**1-6نتیجه گیری**

رویدادهای مهم تاریخی مانند رفتار های خشن مسیحیان با غیر مسیحیان ، شکل گیری تفکراتی چون پروتستانتیسم لیبرال ، تاریخ گرایی و نهضتی چون رمانتیسیم سبب شد تا متفکران در پی راه حلی برای حل تعارض جهانی در موضوعاتی چون دین سیاست و اخلاق به فکر فرو روند نهایتا برای اولین بار در سال 1992جان هاروود هیک نظریه تکثر گرایی در نهاد دین،اخلاق،سیاست،فرهنگ و اجتماع را مطرح کرد. اما مهم ترین بخش از اقسام پلورالیسم همان تکثر گرایی دینی است که به تعبیر جان هیک رستگاري منحصر در دین ویژه اي نبوده، همه ي ادیان بهره اي از حقیقت مطلق و غایت قصوي دارند؛ در نتیجه پیروي از برنامه هاي هر یک از آنها می تواند مایه نجات و رستگاري انسان باشد. بر این اساس نزاع حق و باطل از میان ادیان رخت بربسته، خصومت ها و نزاع ها و مجادلات دینی نیز جاي خود را به همسویی می دهند.

**فصل دوم (2)**

**2-1مقدمه**

در فصل قبل با کلیات و اقسام تکثر گرایی آشنا شدین در این فصل به بیان یک سلسله مسائلی که برای فهم وتحلیل بهتر این نظریه به آن نیاز داریم مطرح میکنیم.

**2-1-1دین و شریعت**

یکی از موضوعات مهمی که باید مورد تحلیل قرار بگیرد دو واژه دین وشریعت است و تا مفهوم درست آن برای ما روشن نشود نمیتوان راجب کثرت دین ویا وحدت آن بحث کرد کسانی که به طرفداری از کثرت گرایی دینی برخواسته اند میان شریعت و دین فرق ننهده و روشن نکرده اند که درباره کثرت و ویا وحدت کدام یک صحبت میکنند. اگر به قرآن کریم برای تفسیر این دو واژه بعنوان موثق ترین مدرک رجوع کنیم میابیم که دین را واحد و شریعت را متعدد تعبیر کرده است گویی گوهر دین در تمام ازمان یکی بیش نبوده و همه پیامبران به تبلیغ آن مامور شده اند و آمدن نبی بعد نبی دیگر کوچ ترین تغیر و دگرگونی درآن ایجاد نمیکند وبخاطر همین ویژگی دین در قرآن مفرد بکار رفته است و هرگز بصورت جمع ادیان بکار نرفته است دین امر واحدی است که تکثیر پیذیر نیست و حقیقت آن تسلیم در برابر آفریدگاری شایسته پرستش است برای اثبات مدعای خود به گروهی از آیات اشاره میکنیم.

* در برخی از آیات قران کریم یکتا پرستی دین قیم نامیده شده دینی که خللی به آن راه ندارد مانند:
* ماجرای حضرت یوسف (ع) که به دو زندانی همراه خود چنین گفت ((حکم از آن خدای متعال است او فرمان داده است که غیر از او کسی را نپرستیم سپس در میگوید (ذالک الدین القیم)) اگر تسلیم در برابر خدای متعال ونفی تسلیم در برابر غیر او دین قیم است باید در تمام ازمان و اعصار به قوت و نیرومندی باقی بماند و تنش درآن رخ ندهد .
* برخی دیگر از آیات قرآن کریم بر حصر دین در اسلام شهادت میدهند

إِنَّ اَلدِّينَ عِنْدَ اَللّٰهِ اَلْإِسْلاٰمُ وَ مَا اِخْتَلَفَ اَلَّذِينَ أُوتُوا اَلْكِتٰابَ إِلاّٰ مِنْ بَعْدِ مٰا جٰاءَهُمُ اَلْعِلْمُ بَغْياً بَيْنَهُمْ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِآيٰاتِ اَللّٰهِ فَإِنَّ اَللّٰهَ سَرِيعُ اَلْحِسٰابِ ﴿آل‏عمران‏، 19﴾

در توضیح آیه باید به این نکته اشاره کرد که آیه ناظر به عصر رسول خاتم نیست بلکه از واقعیت مستمر در همه اعصارگزارش میدهد.

**2-1-2شریعت**

به راهی که انسان بوسیله آن به هدف نهایی خلقت میرسد قرآن کریم در عین تصریح بر وحدت دین به تکثر شرایع تاکید میکند و منظور از آن آموزه های اخلاقی و عملی است که با زندگی اجتماعی و فردی ارتباط دارد اختلاف شرایع به دلیل اختلاف استعداد و توان امت ها و شرایط گوناگونی که برا آن ها سایه افکنده است و به این دلیل است که چیزی در یک تشرع حرام و در شرعیت دیگری حلال است قرآن در مواردی به اختلاف شرایع اشاره میکند مانند: وَ أَنْزَلْنٰا إِلَيْكَ اَلْكِتٰابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقاً لِمٰا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ اَلْكِتٰابِ وَ مُهَيْمِناً عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمٰا أَنْزَلَ اَللّٰهُ وَ لاٰ تَتَّبِعْ أَهْوٰاءَهُمْ عَمّٰا جٰاءَكَ مِنَ اَلْحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلْنٰا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهٰاجاً وَ لَوْ شٰاءَ اَللّٰهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وٰاحِدَةً وَ لٰكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مٰا آتٰاكُمْ فَاسْتَبِقُوا اَلْخَيْرٰاتِ إِلَى اَللّٰهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِمٰا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿المائدة، 48﴾

و ما این کتاب [قرآن] را به درستی و راستی به سوی تو نازل کردیم در حالی که تصدیق کننده کتاب های پیش از خود و نگهبان و گواه بر [حقّانیّت همه] آنان است؛ پس میان آنان بر طبق آنچه خدا نازل کرده است داوری کن، و [به هنگام داوری] سرپیچی از حقّی که به سوی تو آمده از هواهای نفسانی آنان پیروی مکن. برای هر یک از شما شریعت و راه روشنی قرار دادیم. و اگر خدا می خواست همه شما را امت واحدی قرار می داد، ولی می خواهد شما را در آنچه به شما داده امتحان کند؛ پس به سوی کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. بازگشت همه شما به سوی خداست؛ پس شما را به آنچه همواره درباره آن اختلاف می کردید، آگاه می کند.همچنین در آیه دیگر میفرمایند:

ثُمَّ جَعَلْنٰاكَ عَلىٰ شَرِيعَةٍ مِنَ اَلْأَمْرِ فَاتَّبِعْهٰا وَ لاٰ تَتَّبِعْ أَهْوٰاءَ اَلَّذِينَ لاٰ يَعْلَمُونَ ﴿الجاثية، 18﴾

سپس تو را [در امر نبوّت و دین] بر آیینی ویژه و کامل قرار دادیم؛ بنابراین از آن پیروی کن و از هواهای نفسانی کسانی که [به حقایق] معرفت و آگاهی ندارند، پیروی مکن از این بیان نتیجه میگیرم حقیقت دین که راجب به نگرش انسان در باره خدا و افعال و صفات او است یکی است و در حقیقت دگرگون پذیر نیست و تمام انبیا به تبلیغ دین واحد مبعوث شده اند

**2-2انگیز های طرح پلورالیزم**

پلورالیزم دینی به خاطر تفاسیر گوناگونی که دارد نمیتوان برای طرح آن انگیز واحدی بیان کرد لاکن به یکی از مهم ترین علل آن اشاره میکنیم.

**2-2-1.جامعه شناسی**

هرگاه کثرت گرایی دیثنی به صورت رفتاری بیان شود و حاصل آن این باشد که پیروان مذاهب گوناگون میتوانند در کنار هم زندگی مسالمت آمیز داشته باشند قاعدتا انگیزه جامعه شناسی داشته و هدف از بیان آن کاستن تعصبات مذهبی از پیروان تمام مذاهب است گواه این مطلب رفتار پاپ در سال 1963 در دومین بیانیه شورای واتیکان است که برای زدودن هر نوع تعصب مذهبی یهود را از کشتن حضرت مسیح (ع) تبرئه میکند : اين شوراى مقدس هم اكنون از هر دو طرف مى خواهد كه گذشته هارا فراموش كنندو ازاين پس مسیحيان ومسلمانان بكوشند تا ميان خود تفاهم برقرار كنند، براى حفظ وپيشبرد مصالح همه افراد نيز در راه عدالت اجتماعى و اخلاقى نيكو و همچنين صلح و آزادى يكديگر را همكارى كنند)) **(سبحانی، جعفر، پلورالیسم دینی، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ اول، قم، 1381)**

**2-3نتیجه گیری**

**در فصل یک به این نتیجه رسیدیم که در پلورالیسم دینی** همه ي ادیان بهره اي از حقیقت مطلق و غایت قصوي دارند؛ در نتیجه پیروي از برنامه هاي هر یک از آنها می تواند مایه نجات انسان و پایان نزاع ها و جنگ ها شود با برسی دقیق تر در واژه دین در فصل دوم به یک اشکال اساسی در کبری مسئله پی بردیم که مگر دین قابلیت تکثر دارد تا نظریه پلورالیسم مطرح شود.

**اساسا دین قابلیت تکثر ندارد و دین حق یکی و آن اسلام است همچنین با برسی طرح انگیزه های پلورالیزم در فصل دوم به این نکته مهم میرسیم که پیروان ادیان گذشته با انحراف و عدم پذیرش دین نهایی،** تحریف کتب خویش و تعصبات بیجا سبب شدن که روشنفکران در عرص روشنفکری به این اشتباه روی بیارند که اساسا دین عامل تعصبات و بورز جنگ ها است وبرای از بین بردن این مشکلات باید حقانیت محض یک دین را باطل کرد.

**فصل سوم (3)**

**3-1 مقدمه**

**در فصله دوم یک اشکال بر کبری ادله تکثر گرایان وارد کردیم وگفتیم دین یک مقوله واحد است لذا تکثر در آن را ندارد در فصل سوم پلورالیزم جواب ما را با استناد به آیات قرآن میدهد و در این فصل به برسی ونقد جواب آن ها میپردازیم**

**3-2 استندا به قرآن کریم**

**همانطور که قبلا مطرح شد پلورالیسم دینی مبتنی براین فرضیه است که در عالم دینداری راه های زیادی برای رسیدن به رستگاری است و راهی های که پیامبران الهی دعوت به آن فرمودند یکی از آن راه ها است بر این مطلب چنین استدلال کرده اند که قرآن کریم صراط مستقیم مربوط به پیامبران را به صورت نکره آورده است نه به صورت معرفه چرا که در خطاب به پیامبر میفرماید** إِنَّكَ لَمِنَ اَلْمُرْسَلِين عَلىٰ صِرٰاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿يس‏، 4﴾ ویا در جای دیگر میفرماید لِيَغْفِرَ لَكَ اَللّٰهُ مٰا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مٰا تَأَخَّرَ وَ يُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيَكَ صِرٰاطاً مُسْتَقِيماً ﴿الفتح‏، 2﴾

تا خدا [با این پیروزی آشکار] آنچه را [به وسیله دشمنان از توطئه ها و موانع و مشکلات در راه پیشرفت دعوتت به اسلام] در گذشته پیش آمده و آینده پیش خواهد آمد از میان بردارد، و نعمتش را بر تو کامل کند، و به راهی راست راهنمایی ات نماید؛

و در باره حضرت ابراهیم (ع) میفرماید شٰاكِراً لِأَنْعُمِهِ اِجْتَبٰاهُ وَ هَدٰاهُ إِلىٰ صِرٰاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿النحل‏، 121﴾

سپاس گزار نعمت های او بود، خدا او را برگزید وبه راهی راست راهنمایی اش کرد.

به عبارت دیگر تکثر گرایان با استناد به آیات در بیان این مطلب هستن که در جهان تنها یک حقیقت وجود ندارد بلکه حقایق زیادی موجود است واین کثرت حقایق و درهم تنیده بودن آن منشا اختلاف مذاهب و ادیان شده است

**3-3 استندا به شعر مولانا**

**بل حقیقت در حقیقت غرفه شد زین سبب هفتاد صد فرقه شد**

**برخی از تکثر گرایانی مانند سروش برای اثبات مدعای خود به اشعاری همچون شعر مرحوم مولانا استناد میکنند و مانند آیات قرآن چنین تفسیر میکنند که حق بیش از یکی و راه رستگاری متعدد است**

**3-4 ارزیابی ونقد**

**به استناد براهین عقلی ونقلی در گستره عالم واقعیت فقط یک حق وجود دارد وآن همان ذات حق است و غیر از آن هرچه هست تجلیات و صفات اوست در عالم تشریع سعادت و صراط مستقیم یکی بیش نیست و آن همان اسلام و تسلیم در برابر خدای متعال است** إِنَّ اَلدِّينَ عِنْدَ اَللّٰهِ اَلْإِسْلاٰمُ وَ مَا اِخْتَلَفَ اَلَّذِينَ أُوتُوا اَلْكِتٰابَ إِلاّٰ مِنْ بَعْدِ مٰا جٰاءَهُمُ اَلْعِلْمُ بَغْياً بَيْنَهُمْ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِآيٰاتِ اَللّٰهِ فَإِنَّ اَللّٰهَ سَرِيعُ اَلْحِسٰابِ ﴿آل‏عمران‏، 19﴾

مسلماً دینِ [واقعی که همه پیامبرانْ مُبلّغ آن بودند] نزد خدا، اسلام است. و اهل کتاب [درباره آن] اختلاف نکردند مگر پس از آنکه آنان را [نسبت به حقّانیّت آن] آگاهی و دانش آمد، این اختلاف به خاطر حسد و تجاوز میان خودشان بود؛ و هر کس به آیات خدا کافر شود [بداند که] خدا حسابرسی، سریع است.

**و معنای این تسلیم همان توحید است چنان که بیان کرد ما خلقت الجن والانس الا لیعبدون صراط مستقیم همان است که در سوره حمد در وصف آن آمده است** اِهْدِنَا اَلصِّرٰاطَ اَلْمُسْتَقِيمَ صِرٰاطَ اَلَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ اَلْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لاَ اَلضّٰالِّينَ ﴿الفاتحة، 7﴾

راه کسانی [چون پیامبران، صدّیقان، شهیدان و صالحان که به خاطر لیاقتشان] به آنان نعمتِ [ایمان، عمل شایسته و اخلاق حسنه] عطاکردی، هم آنان که نه مورد خشم تواند و نه گمراه اند

و درباره نعمت داده شدگان چنین آمد وَ مَنْ يُطِعِ اَللّٰهَ وَ اَلرَّسُولَ فَأُولٰئِكَ مَعَ اَلَّذِينَ أَنْعَمَ اَللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِنَ اَلنَّبِيِّينَ وَ اَلصِّدِّيقِينَ وَ اَلشُّهَدٰاءِ وَ اَلصّٰالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِيقاً ﴿النساء، 69﴾

و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی از پیامبران و صدّیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود که خدا به آنان نعمت [ایمان، اخلاق و عمل صالح] داده؛ و اینان نیکو رفیقانی هستند.

همانطور که مشاهد میکنید در سوره فاتحه صراط مستقیم به صورت معرفه آمده است والف ولام برای جنس یا عموم نیست چرا که برای عهد است یعنی راه مستقیم معهود که همان راه صراط توحید و یکتا پرستی است و همچنین در جای دیگر به صراط مستقیم مشخص اشاره میکند و میفرماید إِنَّ اَللّٰهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هٰذٰا صِرٰاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿آل‏عمران‏، 51﴾

یقیناً خدا پروردگار من و پرودگار شماست؛ پس او را بپرستید، این است راه راست.

ونیز بیان میکند که وَ أَنَّ هٰذٰا صِرٰاطِي مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لاٰ تَتَّبِعُوا اَلسُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذٰلِكُمْ وَصّٰاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿الأنعام‏، 153﴾

و مسلماً این [برنامه های محکم و استوار و قوانین و مقرّرات حکیمانه] راه راست من است؛ بنابراین از آن پیروی کنید و از راه های دیگر پیروی مکنید که شما را از راه او پراکنده می کند؛ خدا این [گونه] به شما سفارش کرده تا پرهیزکار شوید.

مشاهد میکنید که این صراط مستقیم معهود همان راه پیامبران و انبیا است که در آیه 68سوره نسا بیان شده است و در باره هارون (ع) و موسی (ع) میفرماید وَ هَدَيْنٰاهُمَا اَلصِّرٰاطَ اَلْمُسْتَقِيمَ ﴿الصافات‏، 118﴾

وبه راه راست هدایتشان نمودیم،

بنابر این همه پیامبران یک را را پیموده اند و آن صراط مستقیم توحید و بندگی است و نکره آمدن صراط مستقیم در آیات دیگر بر اهمیت و دقت آن دلالت میکند نه بر نامعلوم بودن وتکثر آن البته ناگفته نماند که صراط مستقیم گرچه یک حقیقت واحد است ولی جلوه های آن در اخلاق عقیده و عمل متفاوت است بصورتی که جلوه آن در اخلاق فضایل و در عقاید همان اعتقاد به یگانگی خداوند و درعمل رفتار شایسته است

**3-5 شریعت های مختلف**

یکی دیگر از نکات مهمی که باید به آن دقت شود این است که شریعت های مختلف سبب کثرت حق نیست کما اینکه در فصل دوم به این نکته اشاره کردیم این شریعت ها چنان که از قرآن کریم و احادیث اسلامی بر می آید همان شریعت های پنج گانه نوح (ع) ابرهیم (ع) عیسی(ع) موسی (ع) و پیامبر اکرم (ص)است لذا کسانی که تا قبل از آمدن شریعت جدید آگاهانه به آن عمل کردند صراط حق را پیموده اند اما پس از آمدن شریعت جدید نسخ شرع قبلی صورت میگیرد و راه نجات منحصر در شریعت جدید است و عمل به شریعت پیشین با آگاهی به تشریع جدید قابل پذیرش نیست قرآن کریم نسبت به اینکه شریعت حق جز از جانب خدا نازل نمیشود بیان میکند که : أَمْ لَهُمْ شُرَكٰاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ اَلدِّينِ مٰا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اَللّٰهُ وَ لَوْ لاٰ كَلِمَةُ اَلْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَ إِنَّ اَلظّٰالِمِينَ لَهُمْ عَذٰابٌ أَلِيمٌ ﴿الشورى‏، 21﴾

آیا مشرکان و کافران معبودانی دارند که بی اذن خدا آیینی را برای آنان پایه گذاری کرده اند؟ [در صورتی که پایه گذاری آیین، حق ویژه خداست و کسی را نرسد که از نزد خود آیینی بسازد] اگر فرمان قاطعانه خدا بر مهلت یافتنشان نبود، مسلماً میانشان [به نابودی و هلاکت] حکم می شد؛ و بی تردید برای ستمکاران عذابی دردناک خواهد بود.

**3-6 نتیجه گیری**

در فصل اول به توضیح کلیات و تعریف پلورالیسم پرداختیم سپس در فصل دوم برای واضح تر شدن بحث نکاتی مانند تعریف دین و تشریع را بیان کردیم و گفتیم که قرآن کریم دین را یک مقوله واحد میداند و یک اشکال در کبری استدلال تکثر گرا ها ایجاد کردیم که دین یک مقوله واحد است لذا تکثر گرایی در آن راه ندارد اما در فصل سوم این افراد پاسخ ما را میدهند و بیان میکنند که ایات قرآن دلالت بر کثرت حق برای رستگاری دارد و استناد به کلمه صراط میکنند که بصورت نکره در قرآن بیان شده است اما این استناد غلط رو با استناد به عقل وآیات قرآن پاسخ دادیم.

**4 فصل چهارم**

**4-1 مقدمه**

در فصل های گذشته با برخی از استدلال های تکثر گرایان آشنا شدیم و به آنها پاسخ دادیم در این فصل به یکی از تفاسیر مهم جان هاروود هیک نسبت به کثرت گرایی دینی پرداخته سرانجام به نقد مبانی پلورالیسم میپردازیم .

**4-2 نقد مبانی پلورالیسم دین**

یکی از تفاسیری که هاروود هیک برای تکثر گرایی دینی ارائه کرده است تفکیک میان صدف و گوهر دین است. او معتقد است که گوهر دین متحول کردن شخصیت بشر است و گزاره های دینی مانند صدف دین هستند لذا هشدار میدهد که آموزه های دینی مانند تجسد را نباید بیش از حد مورد تاکید قرار داد ونباید آن ها را مانند نظریه های عملی صادق یا کاذب دانست بلکه این گزاره ها مادامی که دیدگاه و الگوههای ما را برای زیستن متحول سازند صادق اند از این رو اگر آموزه های ظاهرا متناقض ادیان را مسائلی از تجربه زیستن بدانیم این آموزه ها غالبا سازگار خواهد آمد.

به عبارت دیگر به نظر میرسد هاروود هیک قبل از آنکه بر حقایق کلامی که در تمثال قضایا بیان میشوند تعلق خاطر داشته باشد به جنبه های وجودی و تحول آفرین دین اعتنا و عنایت دارد دین از آن رو دارای اهمیت است که حیات خود محورانه ی انسان را به حیاتی خدا محورانه تبدیل کند.

**4-2-1 ارزیابی ونقد**

در این تفسیر دو نکته مهم بیان شده است یکی اینکه آموزه های دین به ذات ارزش ندارند و نباید مورد تاکید دین داران قرار بگیرند دیگر آنکه این گزاره ها مانند آموزه های علمی نیستند که صدق و کذب پذیر باشند هردو مطلب به لحاظ نظری قابل تامل است وبه لحاظ عینی و تاریخی کاربرد ندارند.بدون اعتقاد به صدق آموزه های دینی چگونه امکان دارند که آن ها برای اهل دین تحول آفرین باشند انسان از آنجا که فردی اندیشمند وباور مند است تا به درستی یک آموزه اعتقاد پیدا نکند متحول نمیشود.

**4-2-2 بشر مقلد و متوسط**

تفسیر دیگری که برای پلورالیسم دینی مطرح کرده اند این است که بیشتر کسانی که دارای یک دین خاص هستند ایمانشان تقلیدی و مورثی است مثلا اگر یک فرد مسلمان در یک جامعه مسیحی زاه میشد مسیحی میشد وبالعکس. زبان عکس دیندارن و همچنین عموم مردم جامعه این است که بَلْ قٰالُوا إِنّٰا وَجَدْنٰا آبٰاءَنٰا عَلىٰ أُمَّةٍ وَ إِنّٰا عَلىٰ آثٰارِهِمْ مُهْتَدُونَ ﴿الزخرف‏، 22﴾

[نه] بلکه [هیچ دلیلی بر حقّانیّت بت پرستی و شرک خود ندارند، بلکه دلگرمی آنان به آیینشان این است که] گفتند: ما پدرانمان را بر آیینی یافتیم و مسلماً ما هم با پیروی از آثارشان ره یافته ایم.

نادرند اندیشمندانی که از سر آزادی و حریت راستین به حکم حکمت به اندیشه ای سر فرود آورند این نهنگان دریای تحقیق در آبگیر کوچک مسالک رایج نمیگنجد بل هر یک از آنان خود مذاهبی است اگر یقینی و سکینه ای هست نزد اینان است وباقی همه تعصب و خام اندیشی است.

جهان را متوسطان پر کرده اند و بر آنان سنت و تقلید و سابقه و محیط و معیشت و خشم وشهوت بیشتر فرمان می راند تا دلیل و قرینه و برهان و حجت، و چنین متوسطان و مقلدان (که ما باشیم) چه جاي آن دارد که یکدیگر فخر بفروشیم و بر یکدیگر لعن بفرستیم؟ فروتنی و همدردي و رحمت، ما را سزاوارتر است تا کبر و دشمنی و خشونت (کتاب صراط های مستقیم 45))

**4-2-2-1 نقد و ارزیابی**

1.تکثر گرایی در تلاش برای حل چه مشکلی است؟

تکثر گرایی درصدد حل مشکل حق وباطل و نجات و رستگاری است اما مسئله ادب معاشرت با همدینان و سلوک اخلاقی بحث دیگری است گرچه دین درصدد حل آن است که حساب حق وباطل وراه شقاوت ورستگاری در دین و مذهب خاصی یافت میشود یا همه ادیان و مذاهب اما توصیه های اخلاقی نظیر فروتنی و همدری ملازمه ای با محل نزاع ندارد کما اینکه چنین توصیه های اخلاقی با اعتقاد به انحصار گرایی دین هم ممکن است.

امام علی (علیه السلام) خود و روش خود را اسلام ناب میداند و در عین حال به مالک اشتر سفارش میکند که نسبت به مردم مهربان باشد چه هم آیین او باشند چه نباشند

2. نسبت باطل وحق با تقلید و تحقیق

سوال اساسی که مطرح میشود این است که آیا هر تحقیقی به حق می انجامد و هر تقلیدی خسران را نتیجه میدهد؟ پاسخ این است که تحقیق و تقلید به خودی خود نه ممدوح است نه مذموم بلکه حسن و قبح آن تابع موضوع آن است مثلا اگر یک شیمی دان نسبت به تفسیرقرآن کریم بدون داشتن علم کافی بخواهد تحقیق کند عقلا چنین تحقیقی ممدوح است کما اینکه اگر فردی درمسئله ای علم کافی را داشته باشد تقلید او باطل است

3. محققان حکیم

شکی نیست که محققان حکیم وراستین چه در دین و جه در غیر دین کم یاب است اما دایره آن به این صورتی که مولف کتاب صراط های مستقیم ارائه کرده است نیست تصویری که وی از محققین راستین ارائه کرده است تنها کسانی را شامل میشود که وابسته هیچ مذهب و آیین خاصی نباشند:

نادرند محققانی که از سر حریت راستین و به حکم حکمت به اندیشه اي سرفرود می آورند، این نهنگان دریاري تحقیق در آبگیرهاي کوچک مذاهب و مسالک رایج نمی گنجد، بل هر یک از آنان خود مذهبی است.((کتابصراط))

بنابر این کلام کسانی چون امام صادق (علیه الاسلام) و امام علی و سایر ائمه محققان حقیقی نبوده اند زیرا این افراد وامدار یک مذهب هستند از طرفی دو عبارت 1. این نهنگان در آبگیر مذاهب نمی گنجند 2. بل هریک از آنان خود مذهبی هستند پارادوکسیکال است. زیرا کسی که خودیک مذهب است چگونه میتواند نهنگ وادی تحقیق باشد که وابسته به مذهبی نباشد این وهمی است فاحش.

**4-2-3 ایمان گرایی**

تفسیر دیگری که تکثر گرایان دینی مطرح میکنند این است که به جای شریعت بر ایمان دینی تاکید شود وایمان نیز به تجربه دینی تفسیر میگردد به این معنا که هرکسی به گونه با حقیقت پایانی مواجه میشود وپس از آن مرحله تفسیر و تجربه دینی فرامی رسد اما از آن جا که با محدودیت های تاریخی ،زبانی،فرهنگی همراه است پیوسته ناخالص وو ناقص است لذا نمیشود هیچ تجربه ای را حقیقت دانست پس درعین حال که همه از حقیقت نهایی برخوردار هستند هیچ کدام کامل نیستند

**4-2-3-1 ارزیابی و نقد**

1.اگر عمومیت چنین تجربه ای از حقیقت نهایی را فبول کنیم زمانی که نوبت به تفسیر آن میرسد پای علم حصولی به میان میاید و مسئله دچار خطا پذیری خواهد شد لذا برای تشخیص حق از باطل نیاز به یک معیار خطا ناپذیر هستیم و آن رای و نظر معصوم است لذا آن تفسیری صحیح است که رای معصوم باشد و تفسیری که معصوم ارائه میکند خارج از آموزه های عقیدتی نخواهد بود لذا همه صاحب نظران تجربه دینی ملزم هستند که آموزه درستی که معصوم آن را تایید کرده است برگزینند سرانجام ایمان تجربی به ایمان عقیدتی منتهی میگردد. و تجربه دینی گره از کار فروبسته پلورالیسم نمیگشاید

**4-3 نتیجه گیری**

با برسی ریشه ها وادله پلورالیسم دینی به این نتیجه رسیدیم این امر با اصیل ترین اهداف انبیا، یعنی هدایت الهی، منافات دارد و به ضلالت بندگان منجر می گردد چراکه براساس رویکرد درون دینی هیچ یک از آموزه های دینی را براساس نظریه مذکور نمی توان عرضی خواند. همچنین در حوزه «دین داری» علی رغم تأکید دین بر توجه به باطن دین، رسیدن به هدف نهایی خلقت ملازم با پایبندی کامل به ایمان و عمل صالح، به صورت توأمان شمرده شده است و از همین رو تجزی در دین راه ندارد.

**منابع**

1. قرآن کریم
2. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر، (عربی - فارسی).
3. تفسیر موضوعی (قرآن درقرآن)، مرکز نشر اسراء، چ سوم، قم، 1381
4. ربانی گلپایگانی، علی، تحلیل و نقد پلورالیسم دینی، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چ اول، 1378
5. سبحانی، جعفر، پلورالیسم دینی، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ اول، قم، 1381
6. طباطبایی، محمدحسین، شیعه در اسلام، دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پانزدهم، قم،